

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبد اللطیف صدیقی للندری
کانادا – ۱۷ مارچ ۲۰۱۰

دو بیتى ها

(بخش چارم)

ز راز دشمنان کس را خبر نیست
نگر شام سیه را کش سحر نیست

گرفتند این وطن در حلقه خود
که فرجامش به جز چشمان تر نیست

طلسم و رنگ دشمن دیدنی هست
ازین میهن دگر گل چیدنی هست

وطنداران مبندید چشم خود را
که چال دشمنان فهمیدنی هست

دلم بشکسته بیگانه به خاک است
همه از ظلم و وحشت سینه چاک است

وطنداران منه ناخوانده مهمان
که این مهمان به خانه بیمناک است

وطن بیجا گرفتار بلا شد
وطن در قعر ظلمت مبتلا شد

هنوز این خدعه مردم کم بدانند
وطن لقمه چرب غربی ها شد

هنوز هم در وطن شور و شرر هست
هنوز آتش به سینه شعله ور هست

نگاهی کس به چشمان وطندار
همه بی خانمان و خاک بسر هست

به جان این وطن درد و غمی هست
هنوز هم کهنه گرگان را دمی هست

به صد افسون وطن برباد کردند
مگر این ظالمان را هم غمی هست؟

نگر زین دشمنان خونخواره تر نیست کسی با اوست، از او بدکاره تر نیست
شدی همــــدست با دیرینه دشمن که در آخر ترا او همسفر نیست

نگر این کشمکش ها بی طلب نیست کو آن خانه که ناله نیم شب نیست؟
بیا و درد مــــردم درک میکن همه برباد ، کس را تاب و تب نیست

آدمم کی زــــنــــدگی با بندگی آدم کنم گوهریم و کی نظر آن سوی جام جم کنم
شور آزادی به سر دارم ز اجــــداد وطن سر طاعت را کجا در پیش دشمن خم کنم
